

مشکلات روحی

مشکلات زندگی

مشکلات روحی چگونه درمان می‌پذیرد ؟

امیال اجتماعی و فردی انسان .

مشکلات زندگی

مشکلات زندگی همه یکسان نیستند . برخی از آنها تشابهی هستند که از خارج یعنی بیرون از محیط روحی و فکری مآثر دارند . این نوع گرفتاریها با اختلاف زمان و مکان دیگرگون میگردند .

روزی ناله بشر از **حیطه غلا و طاعون و وبا و سیل و طوفانها** بلند بود . امروزه در اثر پیشرفت علوم و تکامل مذمت بسیاری از این گرفتاریها از میان رفته و یا در شرف افول رفتن است ؛ ولی تکفای که نمیتوان در آن تردید کرد اینست ، که بهر آه پیشرفت منابع و علوم ناگواریهای تازه ای بمنضم ظهور رسیده است که در گذشته اثری از آن نبود .

عصر حاضر قرن آشننگی و سرگردانی است ، اعصاب و نیر و های مغزی بشر آسود دیده است هزاران نوع مرش های روحی و معنوی جایگزین مشکلات گذشته شده است .

اگر این مشکلات خارجی را در نظر نیاوریم و وجود آنها را نادیده انگاریم ؛ مشکلات دیگری در زندگی انسان خود نمائی مینمایند ، چه تعدادی از ناگواری و تلخی زندگی را بسبب این مشکلات وجود و تحقق آنها میباشد ؛ این نوع گرفتاریها از درون روح ما سرچشمه میگردد . بر خلاف ناراحتیهای پیش که از خارج متوجه ما میشدند ، و منشأ این نوع ناراحتیها خود انسان است ؛ بشر در تمام دوران زندگی خود حس میکند که گاهی دلش مضطرب میشود می بیند که تشویش و دگرگونی بیاطر او را ، پیدا میکند و مشاهده مینماید که همین اضطرابات درونی منشأ کشمکش و جدالها شده و گاه به جنگ و جنایت کشیده میشود .

همین اضطرابات روحی سبب میشده که زندگی در کام او تلخ و زهر آگین باشد . هنگامی که با دیده کنجکار عقل دنبال علل این بحرانهای روحی میرویم و در این بررسی و کاوش از نیروی وجدان استفاده مینماییم ؛ اینطور نتیجه میگیریم که يك **اضطراب روحی** مثل حسد و غضب و شهوت و خود پندگی موجب تحقق چنین صحنه های نامطلوبی میگردد .

امتیازی که میان این مشکلات درونی با گرفتاریهای خارجی وجود دارد در اینست که پیشرفتهای مادی و تحول علم و صنعت توانسته است مقداری از این نوع گرفتاریها را درمان کند ولی در مشکلات روحی بشر علاوه بر آنکه در این راه پیشرفتی نصیب بشر نشده و اگر بوده بسیار ناچیز و اندک بوده است . اصولا بر میزان آن افزوده شده است و بهترین شاهد و گواه ما شیوع و گسترش امراض روحی و اخلاقی است امروزه ما خود شاهد و ناظر بوده ایم بنیم گهر - بحظه کمیت و کیفیت این اختراقات اخلاقی افزوده میشود .

از همین مقدمه بجوی میتوان نتیجه گیری کرد که انسان در معرض دو نوع ناراحتی قرار گرفته است ؛ یکی خارجی و دیگری درونی است ؛ در شماره های قبلی آمدنی راجع به مشکلات خارجی سخن گفته شد ؛ ولی درباره قسم دوم از ناراحتیها باید گفت که ناراحتیهای روحی را نمیتوان با وسایل مادی درمان کرد ؛ بلکه باید مبارزه قاضی در برابر مشکلات روحی به وزارت گرفتاریهای زندگی آغاز نمود تا عوامل روح و ناراحتی از هر دو قسمت بر طرف گردد .

اضطرابات روحی چگونه درمان می پذیرد ؟

بسیاری از خانواده های اجتماع زندگی ما از آن و مردم بیزار بر گزاری مراسم عقد و فریسی سر خود را بر آن میدارند که وضع اقتصادی و درآمد خود را سر و صورت دهند تا بتوانند لوازم اولیه زندگی ، فراهم آورند ؛ پس از آن کوشش خود را متوجه جنبه های تشریفاتی نموده فکر تهیه کردن خانه لوکس و اتومبیل سواری و چیزهای دیگری از همین قبیل می افندند و برای رسیدن باین هدف برخی از میران کوشش و تلاش گذشته برای رسیدن به مقصد خود حاضرند .

مقداری از شرافت و حیثیت خود را هم در این راه از دست بدهند .

تمام این تلاشها برای آنست که چیزی نمی بدارند که چون باین هدف های مادی دست یابند بسر چشمه سعادت رسیده افرادی خوشبخت خواهند بود ؛ ولی متأسفانه باید اقرار کرد که بسیاری از همین نوع خانواده ها وقتی بصدف و مقصود خود میرسند مشاهده میکنند علاوه بر اینکه ناراحتیهای روحی آنان تحریف نیافته بلکه بر تنه ادوات افزوده شده است ؛ می بینند هنوز هم چدلها و کشمکشها در کانون خانوادگی وجود دارد و اعصاب آنها بجای خوب شدن روز بروز خرابتر میگردد در این هنگام است که برخی از این افراد درمی یابند که از اول در اشتباه بوده چنین گمان میگردند که با فراهم آوردن وسایل مادی میتوانند جلوی تمام ناراحتیهای روحی را بگیرند ولی پس از مدت زمانی میفهمند که با تهیه آنها اگر چه میتوان برخی از ناراحتیهای روحی را که ناایده فقر و احتیاج بوده بر طرف کرد ولی هرگز نمیتوان بحرانهای روحی را با امور مادی ریشه کن کرد .

شکست‌ناپذیر است. در طبقات اعیان و اشرافی واقع می‌گردد خود دلیل زنده و بارز این مدعی است و میرساند سهم بیشتری از ثار استیوای زندگی انسان ملول و فندان روش‌های صحیح اخلاقی است، دانشندان روانی توسعه اخلاقی و هم آهنگ شدن با محیط را یکی از اصول ایجاد شخصیت میدانند و می‌گویند گرچه شخصیت در گرو صفات خاصه و طبیعت مشخصی است ولی از کنش اخلاقی بی‌نیاز نمی‌باشد.

همینطور چنانچه با انحرافاتیکه از بشر صادر میشود ارتباط مستقیم با روحیات آنان دارد؛ البته با آن دسته از روحیاتی که در سلسله علل همین نوع صحنه ها و حوادث قرار گرفته اند.

امیال اجتماعی و فردی انسان

امیال انسان بر دو نوع است یک دسته از امیال انسان اجتماعی است مثلاً روح بشر دوستی و مینهن دوستی و عواطف خویشاوندی و مهر زناشویی و فرزندان را مینوان از این قسم بشمار آورد؛ بقیه‌ی است این نوع صفات سبب پیدایش دوستی و یگانگی می‌گردد ولی در قبال این صفات امیال فردی قرار گرفته اند؛ خود پرستی، نافرمانی، طمع؛ لجاجت از این قسم بشمار می‌آید؛ این دسته از روحیات بر خلاف روح اول زمینه‌های قتل و جنایت و اختلاف و تشاجر را بوجود می‌آورد.

پس از روشن شدن این قسمت باید متذکر شد که کسی نمی‌تواند او شجاع مادی را در تعالی افراد و یا انحرافات اشخاص نادیده بگیرد و ادعای کند که تمام تشاجرات خانواده‌گی همه مساوی و همان صلاحیت‌های اخلاقی است؛ بلکه منظور آنست که همان طوری که نواقص مادی و امراض جسمی زمینه اختلاف و نزاع را فراهم می‌آورد؛ انحراف روحی یکی از دو علت خانواده‌ها یعنی زن و مرد باعث تنازع و تشاجر می‌گردد و منتهی در اسلی اذیت‌گر این مطالب توجه دادن خواهران و برادران ارجمند با این نکته اساسی است، زن و مردی که خیال سعادت می‌گیرد و سعی و کوشش خود را برای بدست آوردن آن بکار می‌برد باید بداند که همان‌گونه که زندگی سعادت‌مندان به نیازمند مسائل مادی است بهمان نسبت یا بیشتر محتاج موضوعات اخلاقی است و باید هر دو جنبه توجه داشت.

گاهی یک انحراف روحی مثل تندخویی یا عصبانیت بیجا و یا لجاجت باعث بهم خوردن وضع خانواده‌گی می‌شده است؛ اکنون باید رشته بحث را متوجه برخی از انحرافات روحی بشر کرد تا آشکار گردد که چگونه در بدبختی و دشواری افراد خانواده مؤثر بوده و عهده‌دار چه نقشی می‌باشد.